

پیدایش دولت

تکامل روابط اجتماعی در نظام برده‌داری هم زمان و متناسب بود با تکامل نیروهای مولد جامعه. پیشرفت کشاورزی، گسترش تقسیم اجتماعی کار، پیشرفت ذوب فلزات و جز آن، همه اینها نیاز به نیروی انسانی - یعنی برده - داشت.

عده بردگان به شدت روبه افزایش بود. تضاد میان طبقات اصلی جامعه - بردگان و برده‌داران - شدت می‌یافت. استثمار بردگان، نه تنها نخستین شکل استثمار، بلکه زشت‌ترین نوع آن بود.

زحمتکشان آزاد که در فقر و نیاز بسر می‌بردند و در ازای قسروضشان پیوسته به برده شدن تهدید می‌شدند، وضعشان چندان بهتر از بردگان نبود.

برای اینکه بتوان بردگان و آزادگان را به اطاعت و کار اجباری واداشت و شورش آنها، قبایل و طوایف مغلوب را فرونشاند و روز بروز بر قلمروارضی خود افزود، یکدستگاه دائمی فشار و سرکوبی مورد نیاز بود. این دستگاه - دولت - بتدریج پدید آمد.

کارکرد اصلی دولت برده‌دار (مانند سایر نظام‌های مبتنی بر بهره‌کشی) عبارت بود از فرونشاندن طغیانهای مردمان استثمار شونده و نیز گسترش قلمرو تحت حکومت خود. دولت‌های برده‌دار برای به چنگ آوردن بردگان تازه، پیوسته در حال جنگ بودند و ملل و اقوام مغلوب را غارت کرده و آنها را به بردگان و خراج‌گزاران خود بدل می‌ساختند.

دولت وظایف خود را بکمک دستگاهی دولتی اجرا می‌کند. در آغاز دولت به صورت بعضی تأسیسات قبیله‌ای و دودمانی بود ولی این تأسیسات دیگر یازتابنده منافع تمامی افراد طایفه و قبیله نبوده بلکه مدافع منافع گروه‌های کوچکی از بزرگان و رؤسای طوایف و قبایل گشتند. بزرگان مزبور

سرانجام به صورت فرمانروایان موروئی در آمدند. نیروهای نظامی جامعه ابتدایی از تمام اعضای جامعه که قادر به جنگ بودند تشکیل می شد در حالی که در نظام برده داری نیروی نظامی جدیدی پا به عرصه وجود گذارد. این نیرو از میان مردم بیرون آمد لیکن در مقابل آنها قرار گرفت. نیروی مزبور عبارت بود از ارتشی حرفه‌ای که کار آن پاسداری از منافع بخش ناچیری از جامعه - یعنی برده داران - بود. حکام، روحانیون، مباحران، نگهبانان، دیران، مأموران وصول عوارض و مالیات و جز آن جزء لا ینفک دستگاههای دولتی بودند.

تقسیم قبلی جامعه بر مبنای روابط خونی و خویشاوندی جای خود را به تقسیم اداری و ارضی داد.

طبقات و دولت
در نظام برده داری جامعه برای نخستین بار به طبقات تقسیم شد. در مطالعه جریان از هم پاشیدگی مناسبات اشتراکی نخستین دیدیم که تقسیم جامعه به طبقات بوسیله علل اقتصادی، بوسیله روابط اقتصادی تعیین می گردد.

مشخصه اصلی يك طبقه - رابطه او با وسایل تولید - خصوصیات دیگر او را نیز تعیین می کند که عبارت است از: نقش او در سازمان اجتماعی کار، میزان و منابع درآمدش.

بدینگونه طبقات را می توان چنین تعریف کرد. گروههای بزرگی از مردم که به موجب موقعیتشان در نظام تاریخی مفروضی از تولید اجتماعی، بنا بر روابطشان با وسایل تولید (که معمولاً بموجب قانون تثبیت شده و رسمیت یافته است) و بر طبق نقشی که در سازمان اجتماعی کار به عهده دارند و بنا بر این بر حسب نحوه دریافت و میزان سهمی که از ثروت اجتماعی نصیب می برند از یکدیگر متمایز می شوند.

دولت دستگاه اجرایی طبقه حاکم است و در نظامهای مبتنی بر بهره کشی وسیله ستم و بردگی طبقاتی است.

اتحادیه‌های قبایل

اتحادیه‌های قبیله‌ای، نخستین شکل دولت بودند و غالب دولتهای برده داری این مرحله را گذراندند.

کثیرالعدده‌ترین و نیرومندترین قبایل، مرکز اتحادیه را تشکیل می‌داد. پادشاه از میان قبیله و طایفه حاکم انتخاب می‌شد (پادشاه منتخب غالباً فرمانروا و رئیس جنگی قبیله بود) حکومت شاه موروثی بود. همه روحانیون عالی‌مقام معابد معتبر، از قبیله شاه منصوب می‌شدند. چند قبیله بر مبنای قرارداد رؤسا متحد شده و قبایل ضعیف‌تر را اجباراً به اطاعت و اسی داشتند. دولت از راه جنگهای توسعه طلبانه، قلمرو خود را گسترش می‌داد. البته قبایل چادرنشینی نیز وجود داشتند که تابع هیچ دولتی نبودند.

نخستین دولتهای

برده دار آسیا

و آفریقا

پیدایش دولتهای برده‌دار به معنی پیروزی طرز تولید نظام بردگی بود. نخستین دولتهای برده‌دار در مصر و دره فرات و دجله (بین‌النهرین) پا به عرصه وجود نهادند. آنها عبارت بودند از دولتهای سومری

و اکد و بابل. دولتهای برده دار چین و هندوستان ۴ تا ۲ هزار سال پیش از میلاد و در آشور در نیمه اول دومین هزاره پیش از میلاد پدید آمدند. در همین زمان امپراطوری مقتدر «هیتی» در مرکز آسیای صغیر در حال تشکیل بود. پادشاهی «ممینی» که یک دولت عربی باستانی بود، در پانزدهمین قرن پیش از میلاد در قلمرو یمن کنونی پایه گذاری شد. اورارتو در نخستین هزاره پیش از میلاد در ماوراء قفقاز بوجود آمد. حکومت مقتدر خوارزم در ۸ تا ۶ قرن پیش از میلاد در آسیای میانه پدیدار شد و سپس پادشاهی کوشان جانشین آن گشت. پادشاهی ماد که در ۶ قرن پیش از میلاد در بخش غربی ایران پا به عرصه وجود نهاد، ۶ قرن پیش از میلاد جای خود را به دولت پارس داد. دولت برده‌دار یونان باستان در ۸ تا ۶ قرن پیش از میلاد و روم باستان در قرن ششم پیش از میلاد بوجود آمدند. دولتهای برده دار امریکای مرکزی و جنوبی

تقریباً ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال پیش از هجوم فاتحان اسپانیایی تشکیل شدند (البته تاریخ مذکور شامل دوران «دولت - شهر» های مایا که ظاهراً خیلی پیش از آن تأسیس شده‌اند نمی‌باشد).

استبداد برده‌داری باید دانست که اتحادیه‌های قبیله‌ای، خود دولت نبود بلکه تشکیل آن بمنزله طلبه ظهور دولت بود. افزایش تدریجی قدرت رؤسا و رشد و تقویت دستگاه دولتی سبب شد که اتحادیه قبیله‌ای به حکومت استبدادی برده داری تحول یابد. مشخص‌ترین شکل دولتی مذکور، دولتهای برده دار باستان در آسیا، افریقا و امریکاست. اشکال دولتهای دوران برده داری بر حسب شرایط تاریخی، اقتصادی و نیز محیط جغرافیایی مفروض متفاوت بوده است.

در باره استبداد برده داری می‌توان ویژگیهای برجسته آنرا در تعداد زیادی از مدارک تاریخی موجود یافت. مدارک مزبور عبارتند از لوحه‌های مصری و سایر آثار خطی، سنگ نبشته‌ها و گزارش‌های نویسندگان عهد باستان و سایر کسانی که در آن عهد خود شاهد رویدادها بوده‌اند، اشعار حماسی و غیره. «مجمع‌القوانین» حمورابی، پادشاه بابل برای شناخت چگونگی زندگی مردم در يك دولت برده داری شایان توجه بسیار است. متن قوانین مذکور در ستون سنگی بزرگی که در پایتخت این کشور در قرن هژدهم پیش از میلاد برپا بوده منقود است. این کهن‌ترین مجمع‌القوانینی است [که تاکنون بدست آمده] که بر نظام برده‌داری، مالکیت خصوصی و استثمار انسان از انسان روشنی می‌افکند.

پادشاهی بابل در زمان سلطنت حمورابی نمونه يك دولت خودکامه برده‌دار است. در این دولت بسیار متمرکز، شاه فرمانروای عالی کشور و زمامدار تمامی قوای مقننه، اجرایی، قضایی و مذهبی بود. یکی از چشمگیرترین ویژگیهای ایدئولوژی حاکم در دولت استبدادی برده دار عبارت بود از بزرگداشت بی‌حد و حصر شخص پادشاه بمنزله فرمانروای عالی و خدای مجسم. پادشاه برای حکومت بر کشور از دستگاه اداری بوروکراتیک و پیچیده‌ای کمک

می گرفت. برخی از مقامات، تصدی امور مربوط به شعب گوناگون دستگاه مرکزی را برعهده داشتند و برخی دیگر بمنزله نمایندگان ونواب شاه بر مناطق دنواحی مختلف فرمان میراندند.

مناسبات تولیدی در دولت برده داری

می دانیم که مناسبات یا روابط تولیدی عبارت است از اشکال مالکیت وسایل تولید، موقعیت طبقات در جریان تولید و اشکال توزیع محصولات تولید شده. اکنون به بینیم مناسبات مذکور در دولت برده داری بر چه منوال بوده است.

مجمع القوانین حمورابی جنبه های ویژه روابط بردگان و برده داران تولیدی مبنی بر نظام بردگی را نه تنها در بین النهرین بلکه در همه دولتهای برده داری بطور کلی روشن می سازد.

نیروی حاکم در دولت بابل از برده داران کوچک و متوسط تشکیل میشد و مجمع القوانین حمورابی که ماهیت طبقاتی دولت و قوانین آنرا به روشنترین وجهی نشان می دهد مدافع منافع آنان بود. يك رشته قوانین خواه مستقیم و غیر مستقیم از منافع آنها حمایت می کرد. بنابر قوانین مزبور، هر آزار بدنی به برده و چهارپایان غیر، جریمه کوچکی در برداشت، اگر برده شخص دیگر کشته می شد، کشته وی مجبور بود برده های از خودش را به صاحب برده مقتول بدهد. وضع زندگی خانواده برده هرگز مورد توجه نبود. برده فروشی هیچ محدودیتی نداشت. بردگان را می توانستند به عنوان هدیه به کسان دیگر تقدیم کنند یا با برده دیگر معاوضه نمایند. مالکیت برده به ارث می رسید. مجازات کسانی که از قوانین مصوبه برده داران سرپیچی می کردند بسیار بیرحمانه بود. دزدیدن برده یا پناه دادن به برده های فراری مجازات مرگ داشت. هر برده ای را با مشخصات صاحبش نشانه گذاری می کردند. اگر آزاده ای این نشان را از بین می برد به سختی مجازات می گشت. بردگان نه

تنها از داشتن وسایل تولید بلکه از غالب حقوق ابتدایی انسانی نیز محروم بودند.

بدینگونه، مالکیت مطلق برده‌داران نه تنها نسبت به وسایل تولید بلکه نسبت به خودکارکنان - یعنی بردگان - ماهیت مناسبات تولیدی را در نظام بردگی تشکیل می‌دهد.

گذشته از جنگهای پایان ناپذیری که برای بدست آوردن بردگان جدید برپا می‌شد، خود جامعه بابل بزرگترین منبع تأمین ارتش بردگان بود. در بسیاری از دولتهای برده دار، قدرت حاکم برده داران، مانع وجود مالکیت بزرگ و کوچک و پیشه‌وران نبود. این افراد در بابل نیز دیده می‌شدند لیکن در آنجا آزادگان به سرعت استقلال خود را از دست داده به ارتش بردگان می‌پیوستند. آزادگان بابل به دو گروه تقسیم می‌شدند: کسانی که از تمام حقوق مدنی برخوردار بودند و آنهایی که تنها بخشی از این حقوق به آنها تعلق می‌گرفت یا به عبارت دیگر نیمه آزاده بودند. اگر شخص کاملاً آزادی به دیگری آسیبی می‌زد مجازاتش عبارت بود از وارد آوردن عین همان آسیب به او. اگر به نیمه آزادی آسیبی می‌رسید، مجرم فقط ملزم به پرداخت جریمه‌ای بود. اگر نیمه آزاده‌ای متهم به دزدی می‌شد مجبور بود چندین برابر بیشتر از آزادگان برای همان خطا جریمه بپردازد؛ دزدیدن برده که بمنزله جنایتی علیه خانواده جامعه محسوب می‌شد، موجب مرگ مرتکبین صرف نظر از موقعیتشان می‌گشت.

آزادگان جامعه نیز به اغنیا و فقرا تقسیم می‌شدند. فقرا برای تأمین حد اقل معاش خود مجبور بودند از ثروتمندان پول، ابزار و جز آن به وام گیرند. پرداختن وام سبب از دست دادن دارایی شخص وامدار و حتی جزئی مایملک او می‌شد. بدینگونه، آزادگان تپه دست به بردگی ناشی از وام داری گرفتار می‌آمدند. جریان چنین بود که وامدار ورشکسته (و معمولاً اعضای خانواده‌اش) نخست زیر عنوان خاصی موقتاً به صورت برده درمی‌آمد ولی این در واقع بمعنی بردگی تا آخر عمرش بود. نوع جدیدی از تجارت برده نیز در جامعه پیدا شدند

که همشهریه‌های خود را می‌خریدند و به برده دارانی که نیازمند نیروی انسانی بودند کرایه می‌دادند.

اینکه ما در جامعه بابل باستان در کنار بردگان به عده زیادی از آزادگان برمی‌خوریم دلیلش اینست که اکثر این افراد اعضای طایفه‌ها و بقایائی از دوران اشتراکی آغازین بودند.

بقایای نظام اشتراکی در دولت برده‌داری

پیش از تشکیل دولت، وجود سرزمینهای حاصلخیز که بوسیله رودخانه‌های سیلابی آبیاری می‌شد، تدریجاً پیدایش نظام آبیاری سازمان یافته و بقرنجی را ایجاد می‌نمود. اگر زمین و شبکه آبیاری میان بخشهای جداگانه‌ای که اداره آن مبتنی بر اصول برده داری بود، تقسیم می‌گشت سبب ویرانی نهایی نظام آبیاری مذکور و تنزل سطح بازدهی می‌شد زیرا بردگان علاقه‌ای به ثمره کار خود نداشتند. از این رو دولت سودمندتر دانست که وجود طایفه را محفوظ دارد. ولی این طایفه جماعت اشتراکی پیشین و عاری از استثمار که همه برای هم کار می‌کردند نبود. بنا بر شرایط جدید دولت برده دار طایفه‌ها را استثمار می‌کرد. مانند گذشته، اعضای طایفه‌همگان مسئول نگهداری و تعمیر قنوات و سدها بودند. این امر مستلزم کار و کوشش جمعی مردمان بسیاری بود. مانند گذشته همگان با هم زمینها را شخم زده و محصول را درو می‌کردند لیکن بزرگترین سهم به پادشاه و روحانیون تعلق داشت و نیز برای نگهداری ارتش برداشت می‌شد. نواب شاه پیوسته به نظام آبیاری رسیدگی می‌کردند و مراقب بودند تا اعضای طایفه‌ها مالیات و عوارض خود را بطور منظم پردازند و بدینگونه بخش بزرگی از دسترنج آنها به یغما می‌رفت.

همین وضع در مورد دولتهای خود کامة دیگر: مصر، چین، هند و جز آن صدق می‌کرد.

بر رغم منافع دولت برده دار در حفظ نظام جماعت‌های روستایی. نظام مذکور بتدریج به نابودی می‌گرایید. پادشاه شخصاً اراضی وسیع تحت مالکیت خود را با تصرف زمینهای اشتراکی منظم‌گسترش می‌داد. حدود زمینهای متعلق

به شاه که بمنزله فرمانروای عالی دولت بود از طریق جنگها باز هم گسترش می یافت. شاه برای تحکیم پایگاه اجتماعی خود، قطعات وسیعی از زمینهای متعلق به خود یا زمینهای اشتراکی جماعتی روستایی را به برده داران وابسته به دربار و مأموران خود یا سران نظامی و روحانیون می بخشید. جماعتی روستایی در نتیجه ثروتمندتر شدن برخی از اعضای آن و فقر روزافزون بقیه اعضا روز بروز بیشتر از هم پاشیدند.

آزادگان مجبور به پرداخت مالیات بسیار، خواه جنسی (محصولات کشاورزی و چهارپا) و خواه به صورت مسکوکات نقره بودند. اموال سلطنتی از طریق اخذ مالیات افزایش می یافت و قانون از آن حمایت می کرد. هم شاه و هم معابد مذهبی صاحب عده زیادی برده بودند که در خانه های مخصوص نگهداری می شدند.

نیروهای مولد در دولتهای باستانی آسیا و آفریقا

در طی پیدایش دولتهای باستانی آسیا و آفریقا تکامل نیروهای مولد ادامه داشت. استفاده از ابزارهای فلزی در کشاورزی بابل گسترش یافت. پیشهوران نیز ابزارهای کار خود را تکمیل می نمودند. از مجمع القوانین حمورابی چنین برمی آید که در آن زمان حرفه های گوناگونی مانند سنگتراشی، بافندگی آهنگری، درودگری، کشتی سازی، خانه سازی و جز آن وجود داشته است.

پیشه های مذکور در مصر نیز پیشرفت کرده بود. بویژه بافندگی در سراسر مملکت رواج داشت. دستگاههای عمودی باف جدیدتر نساجی جایگزین دستگاههای انقی باف قدیمی شد. مسگران به استفاده از دم های چرمی برای کوره های خود آغاز کردند. نخیش تکمیل شد. شبشه سازی، حرفه ای جداگانه گشت. در این زمان دیگر آجرها را می پختند.

پیشهوران معمولا در شمار آزادگان بودند. لیکن در کارهای دشوار و پست بویژه در کارهای ساختمانی از بردگان نیز استفاده می شد. ابتدایی ترین

ماشینها به کار افتاد. ماشینهای مخصوص برای بالا بردن قطعات سنگی بزرگه در ساختمان اهرام در مصر باستان اختراع شد. نظام آبیاری آسیا و آفریقا از جمله میخازن آب، سدها وزه کشیها نمودار سطحی است که فنون ابتدایی در دوران بردگی بدان رسیده بود. مثلامد اسوان که بر روی رودخانه نیل احداث شده بود، طرحی بسیار عالی داشت. منابع آب سدها و جویهایی که اکثر از سنگ ساخته شده بود نمونه‌ای از فنون ساختمانی آن زمان بود.

با رشد تجارت دریایی نیاز به کشتیهای جنگی و تجاری بادبانی پیداشد. فنون نظامی ترقی کرد. ارابه‌های جنگی و دژ کوب بطور وسیعی در جنگ مورد استفاده قرار گرفت. کشتیهای جنگی به منجنیق‌های سنگ انداز مجهز گردیدند.

تکامل مبادله در نظام اشتراکی آغازین، به پیدایش

مبادله کالایی

معادل عمومی منجر گشت. نقش معادل عمومی در

مناطق مختلف به اشیاء گوناگون سپرده شد مانند چهارپایان، خز، پوست، عاج و جز آن. در نظام برده داری، بتدریج فازات نقش معادل عمومی بخود گرفتند، در آغاز آهن و مس، سپس طلا و بطور عمده نقره. پول بمنزله معادل عمومی و وسیله مبادله و همچون کالای خاصی که قابل مبادله با هر کالای دیگری بود پا به عرصه وجود نهاد. در آغاز پول به صورت شمشهای فلزی بود و سپس اقدام به ضرب سکه شد.

تکامل بازرگانی سبب پیدایش تجارت گشت. یعنی کسانی که خود در تولید شرکت نداشتند و فقط از راه مبادله کالاها از این نقطه به آن نقطه می رفتند و گاهی به نقاط بسیار دور دست مسافرت می کردند. بدینگونه سومین تقسیم اجتماعی کار صورت گرفت.

در دولتهای برده داری آسیای صغیر، یونان و چین، در قرن هفتم تا ششم پیش از میلاد برای نخستین بار سکه‌های فلزی به پیدایی آمد. در چین سکه‌ها به صورت مربع یا به شکل چاقو، خنجر یا نیزه بودند و نیز سکه‌های گردی ضرب شد که

سوراخ مربعی در وسط آنها بود .

بدینسان تولید کالایی پدید آمد، تولیدی که صرفاً برای مبادله یا

فروش بود.

یا تکامل پیشه‌ها و بازرگانی اقامتگاه‌های ویژه‌ای

پیدایش شهرها

(شهرها) پدید آمد که محل سکونت پیشه‌وران،

تجار بود و در آنجا داد و ستدهای بازرگانی گوناگون انجام می‌گرفت. این اماکن بصورت مراکز پیشه‌وری و بازرگانی درآمد. شهرها معمولاً نزدیک دژهای نظامی، اقامتگاه‌های دائمی قبایل، مراکز مذهبی، چشمه‌ها، گذرگاه‌های تجارتنی گوناگون برپا می‌شد. بدینگونه بود که در پایان دومین هزاره پیش از میلاد شهر مکه در محلی احداث گشت که در آن يك چشمه آب معدنی جاری بود و مردم برای زیارت سنگ سیاه مقدسی به آن محل می‌شتافتند. در پایان نخستین هزاره پیش از میلاد «دولت - شهر» بزرگ پالمیر در واحه‌ای واقع در صحرای سوریه نزدیک گذرگاه‌های بازرگانی که دارای چشمه‌های فراوان آب زلال بود، بوجود آمد.

مناسبات بازرگانی در آغاز میان کشورهای برقرار

مناسبات بازرگانی

شد که در سواحل دریاها یا کنار رودخانه‌ها واقع

شده بودند.

در پایان سومین هزاره پیش از میلاد، دولت - شهرهای برده دار فنیقی واقع در سواحل مدیترانه بطور عمده به تجارت مشغول بودند. آنها با آسیای صغیر، قبرس، کرت، یونان و سایر ممالک مدیترانه‌ای مناسبات بازرگانی داشتند. فنیقی‌ها نقره، چرم، آهن از آسیای صغیر و مس از قبرس خریداری می‌کردند.

در دوران باستان، جاده‌های بازرگانی و مسافرتی خوبی که کشورهای

دور دست را بهم مربوط می‌ساخت در آسیا و آفریقا کشیده شده بود.

جاده معروف به «جاده ادویه» جاده کاروان روئی بود که از جنوب عربستان، شهرهای ساحل شرقی مدیترانه و ساحل دریای سرخ به سوی شمال امتداد داشت. تجارت اجناسی مانند روغن چراغ، صمغ، ادویه هندی و افریقائی، طلا و سپس برده از طریق این راه انجام می گرفت.

راه کاروان رودیگری جنوب عربستان را به بین النهرین متصل می ساخت. بازرگانان کالاهای خود را از افریقای شرقی و از طریق تنگه باب المندب عبور داده و از آنجا بشمال می فرستادند.

از راه های کاروان رو باستانی جاده های بود که چین و کشورهای آسیای میانه را با ایران و ممالک ساحلی مدیترانه مربوط می ساخت. اجناس چینی که از این جاده می گذشت عبارت بود از فلزات، چرم و بویژه، ابریشم. بهمین مناسبت این جاده را به نام «جاده ابریشم» می شناختند.

آسیای میانه در زمان پادشاهی کوشان مرکز تجارتی قابل توجهی بود. بازرگانان کوشان شیشه و جواهرات به چین می بردند و آسیای میانه بسا هند، ممالک سواحل شرقی مدیترانه، اروپای شرقی و امپراطوری رم روابط تجاری داشت.

گسترش مبادله کالائی، نابرابری اقتصادی را بیشتر کرد. تهی دستان برای ادامه زندگی ناچار بودند از ثروتمندان ابزارهای کار کرایه کرده و از آنان پول و جز آن بسه وام گیرند. نپرداختن دیون معنیش اسارت و بندگی وام دار بود. بدینگونه روز بروز به خیل ارتش بردگان افزوده می شد. از سوی دیگر وام دهندگان ثروتمندتر شده و به رباخوار بدل می گشتند. اینها کسانی بودند که آگاهانه مبالغ زیادی پول می اندوختند تا آن را با بهره گزاف به اشخاص نیازمند وام دهند.

ستیزه طبقاتی و اهمیت آن

با پیدایی طبقات، تاریخ بشر به تاریخ پیدایش و رشد برخی طبقات و

نابودی طبقات دیگر، به تاریخ مبارزه بیرحمانه طبقاتی بدل گشت.

۴ تاریخ نظام برده داری، تاریخ مبارزه میان طبقات برده داران و بردگان است. مبارزه طبقاتی نتیجه تفاوت موقعیت اقتصادی و تضاد منافع طبقات مختلف است. منافع طبقاتی بوسیله موقعیتی که هر طبقه در نظام تولیدی اجتماعی دارد، تعیین می گردد.

بردگان از همه حقوق مالکیت محروم بوده و حتی خود نیز در تملک ارباب بودند. آنان بیرحمانه تر از هر طبقه دیگری در تاریخ استثمار می شدند و از این رو بطور عینی خواهان نابودی آن طرز تولید و نظام سیاسی ای بودند که از برده داران حمایت می کرد و آنان را به چنین وضعی افکنده بود. بنابراین، بردگان اگرچه خصلت انقلابیشان محدود بود، طبقه ای انقلابی بودند.

قیام های مسلحانه بردگان برجسته ترین شکل مبارزه طبقاتی در دولتهای برده دار باستانی آسیا و آفریقا بود. از جمله این قیامها شورش بود که بوسیله طبقات ستمدیده در اواخر دوران «پادشاهی وسطی» در مصر برپا شد که دهقانان تهی دست و پیشهوران نیز به بردگان پیوستند.

در چین در طول قرنهای متمادی، بردگان بارها به شورش برخاستند در ۱۸ قرن پیش از میلاد قیام بزرگی در این کشور روی داد که به جنبش «سرخ ا پروان» معروف است. اطلاق این نام به جنبش مزبور بدان سبب بود که شورشیان برای تشخیص هویت خود ابروهای خود را قرمز می کردند. جنبش از بردگان، آزادگان، پیشهوران، ماهی گیران و تجار کوچک تشکیل شده بود. آنان نیروی منظم دولتی را شکست دادند و به پایتخت حمله برده آنرا اشغال نمودند. با وجودیکه آنان انضباط و ساز و برگ کافی نداشتند، طبقه حاکم به دشواری و با کوششهای بسیار به سرکوبی شورش توفیق یافت. شورشیان به علت پراکندگی صفوف خود قادر به مقاومت در برابر نیروهای منظم و مسلح طبقه حاکم نبودند. البته در آن زمان شرایط واقعی و عینی الغای استثمار انسان از انسان وجود نداشت و نمی توانست وجود داشته باشد. ولی بر رغم این شکستها، شورشهای بردگان، آزادگان و پیشهوران در واقع خصلت مترقیان

داشت چرا که در تخفیف و تضعیف بار استثمار به پیروزیهای می‌رسید.
این قیامها نخستین کوششهای توده‌ها در مبارزه برای آزادی خود بود.
آنان سنن این مبارزه را پی‌ریزی و تحکیم نمودند. حتی گذراترین موفقیت‌های
شورشیان نیز اندکی از پارتندگی بردگان - این تولیدکنندگان مستقیم - می‌کاست.

ایدئولوژی و فرهنگ نظام‌های برده‌داری باستان

یکی از ویژگیهای ایدئولوژی دولتهای برده‌دار باستان، ماهیت مذهبی
آنهاست. این موضوع در مورد بابل، مصر، هند، اورارتو، ایران و ممالک آمریکایی
یکسان صدق می‌کند. گرچه مذاهب مزبور اشکال گوناگون بخود گرفته و
اساطیر و مراسم گوناگون داشته، مضمون آموزشهای آنها یکی بود:
اطاعت مردم از نظام موجود، ترساندن آنان از خدایان خشمگین که هر
لحظه آماده‌اند آنها را در زمان حیات یا پس از مرگ مجازات کنند. در بسیاری
از ادیان باستانی آموزشهایی بود در باره جهنم، همچون جزای الهی برای
کسانی که از نظم و مقررات حاکم نافرمانی کنند و بهشت همچون پاداش کسانی که
رنج و عذاب دنیوی را تحمل نمایند. کاهنان با همه وسایل می‌کوشیدند توده
را متقاعد کنند که تسلط طبقات ثروتمند قدرتی است خدادادی. این موضوع به
ویژه در مورد مقام خدایی دادن به قدرت و شخص فرمانروا در دولتهای برده -
داری گوناگون دیده می‌شود. استقرار فرمانروایی یکتادرزمین از راه تداعی معانی
سبب بوجود آمدن آموزش مذهبی مربوط به وجود «شاه خدایان» گشت. این
گذار تدریجی از پلی‌تئیسم^۱ (اعتقاد بوجود خدایان چندگانه) به مونوتئیسم^۲
(اعتقاد به خدای یگانه) را می‌توان به درجات و اشکال گوناگون در اکثر کشور -
های برده‌دار باستان یافت.

1- Polytheism

2- Monotheism

توده‌ها هم چنانکه قادر به مقاومت در برابر نیروهای طبیعی نبودند، در مقابله با استثمارگران نیز عاجز بودند. این ناتوانی سبب نفوذ و استحکام ایدئولوژی طبقه حاکم در شعور آنان بود. ولی جهان بینی مزبور چندان نیرومند هم نبود.

عناصر ابتدایی فلسفه مادی

دو عامل اساسی سبب بی‌اعتباری جهان بینی مذهبی گشت. نخست فراهم شدن دانشهای مثبت بود. پیشرفت نیروهای مولد، راه را برای کشف بسیاری از قوانین طبیعت هموار می‌ساخت. زمانی بود که ساکنان درهٔ میان دجله و فرات معتقد بودند سیل بر اثر خشم نیرویی فوق طبیعی و مرموز جاری می‌شود. سرانجام آنان علت و خصلت ادواری بودن آنرا دریافتند. در این هنگام بود که نظریات مادی ساده و ابتدایی پیدا شد و حتی مقدمات نخستین آموزشهای مادی فراهم گشت. بدینگونه در نیمهٔ دوم دومین هزارهٔ پیش از میلاد نخستین مفهوم مادی جهان در مقابل مفاهیم پذیرفته شده مذهبی قرار گرفت. نخستین فلاسفهٔ مادی معتقد بودند که جهان از «عناصر ابتدایی» تشکیل شده و همه چیز در جهان در حال حرکت و دگرگونی و نتیجهٔ کنش متقابل دو نیروی جهان-روشنایی و تاریکی است. بدینگونه نخستین جوانه‌های ماتریالیسم حتی دیالکتیک پدیدار گشت.

دومین عامل در تضعیف نفوذ ایدئولوژی حاکم (و این ایدئولوژی طبقه حاکم بود) بر توده‌ها، شرایط مشقت بار زندگی آنان بود. فقر و شوربختی و محرومیت از همهٔ حقوق انسانی آنان را به قیام علیه دولت برده دارو کاهنان پاسدار آن وادار ساخت.

علم و هنر

نیازهای صرفاً اقتصادی جمعیت در دولت‌های باستانی آسیا و آفریقا نخستین دانشهای علمی را که مبتنی بر شکل ابتدایی تفکر مجرد بود پدید آورد. نیاز به نگهداری حسابها و اندازه‌گیری زمینها سرآغاز ریاضیات (حساب و هندسه) و ستاره شناسی (گاه شماری)

بود. سپس شیمی و فیزیک بوجود آمد. نظام بابلی اعداد چنان نیکو طرح ریزی شده بود که از بعضی جهات از مکاتب یونان باستان و روم پیشرفته تر بود. زیرا اعداد بابلی می توانستند با استفاده از حداقل حروف هر عددی را بیان کنند. فن کتابت بتدریج در آسیا و آفریقا پدید آمد. در آغاز علائم تصویری Pictography بوجود آمد که اشیاء و اعمال گوناگون را با ترکیب تصاویر و بدون توجه بقواعد صداشناسی توصیف می کرد. سپس خط تصویری به اندیشه نگاری Ideography تحول یافت که در آن هر تصویر نماینده ایده معینی بود.

با تکامل نظام برده داری، نیاز به ثبت دقیق قوانین و فرامین موجود، محاسبه ثروت و نوع آن و نیز ثبت مشخصات کمی و کیفی اجناس مورد معامله یا انباری احساس شد. پدیدگونی بود که خطوط تصویری در مصر پدیدار گشت. این خط ترکیبی از خط اندیشه نگار و علائم بی صدا بود.

الفباء توسط فبقیها اختراع شد و پایه الفبای آرامی و یونانی را تشکیل داد که نخستین الگوی اکثر الفباهای جدید بود. خط اندیشه نگار میخی که مردم بین النهرین آنرا بکار می بردند به پیشرفت ادبیات کمک شایانی نمود. مورخان همواره به حماسه بابلی گیل گمش علاقه مند بوده اند. گیل گمش برای فنانا پذیری و جاودانگی انسان با نیروهای فوق طبیعی جنگیده بود. در دوران باستان، مردمان آسیا و آفریقا آثار هنری برجسته ای مانند ظروف سفالی زیبا، زینت های ساخته از استخوان، سنگ، چوب و خز آن و نقوش باشکوه بردیوار معابد و مقابر از خود یادگار نهاده اند.

موزه بریتانیا در لندن، لوور در پاریس و بسیاری دیگر از موزه های اروپای غربی و امریکای شمالی دارای اشیاء هنری شگفت انگیزی هستند که به مردمان آسیا و آفریقا تعلق دارد و استعمارگران آنها را با مستقیماً و یا به کمترین بها از کشورهای مزبور به قیمت برده اند.

هنر معماری ممالک بین النهرین، مصر، خوارزم، اوزارتو، چین، هند، ایران میراث گرانقدری بشمار می روند.

دست آوردهای تئاترهای آسیا و آفریقا در تولید، علم، ادبیات و هنر تأثیر
خارق العاده‌ای در تکامل بعدی تمدن بر جای نهاد مخصوصاً در ممالک مدیترانه‌ای
و باز بویژه در آن کشورهایی که ملل اروپایی جدید در آنجا پا به عرصه وجود
نهادند.

مردمان آسیا و آفریقا پیشگامان تکامل فرهنگ مادی و معنوی بشر
بوده‌اند گرچه این تکامل با گام‌های آهسته صورت گرفت در عین حال تجربه
مردمان آسیایی و آفریقایی تکامل سریع نیروهای مولد دولتهای برده داری
یونان و روم را تسهیل نمود

چگونگی مناسبات تولیدی هر جامعه نظام اقتصادی
آن جامعه را تعیین می‌کند. این نظام اقتصادی بمنزله
زیربنایی است که بر روی آن، مناسبات یا روابط

صورت بندی

اقتصادی - اجتماعی

اجتماعی، ایده‌ها و مناسبات گوناگون ساخته می‌شود. زیرا طرز تولید سرانجام
تعیین کننده سراسر زندگی در جامعه مفروض است. زیرا، تأسیسات حقوقی،
سیاسی و سازمانهایی را که در ساختمان طبقاتی اجتماع بستگی دارد (دولت،
جامعه روحانیت، احزاب سیاسی و جز آن) و خلاصه هر چیزی که رویای سیاسی
جامعه را تشکیل می‌دهد به وجود می‌آورد و نیز ایده‌های گوناگون اجتماعی
(نظریات سیاسی، حقوقی، فلسفی، دینی، هنری و جز آن) و خلاصه هر چیزی
که رویای ایدئولوژیک جامعه را تشکیل می‌دهد تعیین می‌کند.

از آنجا که زیر بنا تعیین کننده رو بناست، پس هر تغییری در زیر بنا
تغییری را در رو بنا یعنی در تأسیسات سیاسی و ایدئولوژی موجود سبب می‌گردد.
ولی رو بنا گرچه وابسته به زیر بناست، بنوبه خود می‌تواند در مناسبات تولیدی
(زیر بنا) مؤثر واقع گردد و دگرگونی آنرا کند یا تند کند... بنابراین هر
جامعه‌ای عبارت از ارگانیسمی جامع و یگانه، یک صورت بندی اقتصادی
اجتماعی و نوع تاریخی معینی از جامعه است با طرز تولید، زیر بنا و رویای
خاص خودش.

پذیرنای جامعه برده دازی مانند جامعه‌های فئودالی و سرمایه داری طبیعی متنازع دارد زیرا بر مالکیت خصوصی وسایل تولید و بهره‌کشی از تولیدکنندگان ارزشهای مادی توسط طبقه حاکم استوار است.

دولت‌های برده‌دار آسیا و افریقا

یکی از مهمترین مراحل تاریخ باستان، تشکیل **مصر باستان** دولت برده‌داری در مصر باستان در اواخر چهارمین هزاره پیش از میلاد بود. این دوره «پادشاهی باستانی» (۳ تا ۲۴۰۰ سال پیش از میلاد) نام دارد که در طی آن برده‌داران مصری با در دست داشتن فرماندهی ارتشهای بزرگ به جنگی منظم و دائمی برای تصرف شبه جزیره سینا و نوبیای شمالی پرداختند.

ایجاد دولت متمرکز امکان داد نظام آبیاری که پایه کشاورزی بود بسط و گسترش یابد. ماهیگیری و شکار هنوز نقش بزرگی در اقتصاد داشت و دامپروری بویژه در دلتای نیل که دارای چراگاههای پهناوری بود، دستخوش تحول بود. در آن زمان جماعت‌های اشتراکی روستایی که مورد استثمار برده‌داران بودند شالوده اقتصادی و اجتماعی جامعه مصری را تشکیل می‌دادند. مدت زمانی پس از آن ارضی وسیع معابد پدید آمد. در مصر نیز مانند بین‌النهرین جماعت‌های اشتراکی روستایی بر اثر تشدید تجزیه طبقاتی و غارت و تصرف زمینهای آن از جانب برده‌داران، روحانیون و رباخواران در حال زهم پاشیدگی بود. وضع آزادگان تهی‌دست با بردگان چندان تفاوتی نداشت.

برندگان منبع اصلی نیروی انسانی در املاک متعاقب فرمانروا، معابد، برده‌داران بزرگ و مقامات دیوانی بودند. تعداد بردگان پیوسته روبه افزایش بود. فراعنه مصر به خاطر منافع برده‌داران منظور بدست آوردن بردگان بیشتر و چهار پایان و ثروت زیادتر به جنگهای پایان‌ناپذیری دست می‌زدند. هدف اصلی آنها تقویت حکومت برده‌داران بود. دولت متمرکز بود و ثروت‌های

هنگفت را به خزانه دیوانی سرازیر می کرد. ثروتهای حاصله از جنگ با اخذ مالیات - این منبع اصلی در آمد دولت دو چندان می گشت. مالیات بوسیله ارتشی از مقامات دولتی وصول می شد. دادگاهها حافظ و مدافع برده داران بودند. قضات انتصابی ولایات، وظایف حکام محلی (استانداران) را نیز انجام می دادند. قاضی بزرگ، دنیار اصلی شاه در حکومت بود. فرعون همچون نجسم «عدالت الهی» قلمداد می گشت. اهرام بزرگ نیز برای بزرگداشت دائمی فرعون و بطور کلی جاودانی نمودن حکومت برده داران ساخته شد. ساخت دولتی مصر در پادشاهی های وسطی و جدید نیز دستخوش تغییر قابل توجهی نگشت.

هند باستان

چنانکه از حفاریات باستانشناسی در دره سند برمی آید در ۳ تا ۲ هزار سال پیش از میلاد، تمدن پیشرفته ای

در شبه جزیره هند وجود داشته است.

در آغاز نخستین هزاره پیش از میلاد، از میان اتحادیه های قبیله ای متعدد، نخستین دولتهای برده داری هند بوجود آمدند. با گسترش تقسیم طبقاتی، رؤسای جنگی قبایل (راجه ها) به صورت فرمانروای عالی درآمدند و اشرافیت قبیله به دور آنها گرد آمدند. پس از چندی مقام راجه موروثی شد و اداره امور قبیله رشته ای از دستگاه دولتی گشت.

در همین هنگام، برهمن ها که در آغاز ملازمان معابد بودند، به کاهنان حرفه ای مبدل گردیدند. ولی رژیم استبدادی تا زمان سلسله ماریا^۱ هنوز در صحنه جامعه هند پدیدار نشده بود. این رژیم در دوران سلطنت چاندرراگوپتا^۲ و آزوکا^۳ بوجود آمد. امپراطوری ماریا در چهارمین قرن پیش از میلاد تأسیس گشت.

بردگی در هند رواج یافت لیکن ویژگیهای خود را نیز داشت البته در آنجا نیز منبع اصلی بردگان تازه، جنگ و اشکال گوناگون به بردگی کشیدن آزادگان نهی دست و امدار بود. آزادگان همانند نبودند و به چهاروارنا^۴ تقسیم

1- Maurya

2- Chandragupta

3- Asoka

4- Varua

می‌شدند. این تقسیم سر‌آغازپیدایی «کاستها»^۱ بود. افراد پائینترین و ارثاً معمولاً به بردگی گرفتار می‌آمدند و برده‌داران به بالاترین و ارثاً تعلق داشتند. بردگان می‌توانستند به نملک دولت یا جماعتها نیز درآیند. برده را «دارایی دوپا» و احشام را «دارایی چهارپا» می‌دانستند.

از کار بردگان در املاک راجه‌ها و برده‌داران ثروتمند و طرحهای ساختمانی گوناگون جماعتها بهره‌برداری می‌شد. ولی در هند باستان املاک کشاورزی بزرگ چندان نبود. معمولاً کار برده همچون کمکی به خاندان محسوب می‌گشت. این شکل پدربزرگسالاری بردگی ناشی از این امر بود که بسیاری بردگان از قبله خود اربابان بودند. اکثریت بردگان زن بودند. فرزندان آنها نیز به نملک اربابان درمی‌آمدند.

کندی تکامل دولت برده‌داری هند. بر اثر پایداری بیش از معمول جماعت‌های اشتراکی روستایی بود. این جماعتها یکی از اشکال سازمان اقتصادی-اجتماعی ساکنان آزاد آن کشور بشمار می‌رفتند. مراقبت پیوسته از نظام آبیاری و هموار کردن جنگلها مستلزم کوششهای مشترک افراد بسیار بود. اعضای یک جماعت روستایی با کشت زمین و صنایع دستی مشترکاً نیازهای خود را برآورده می‌ساختند. این امر نیز به انزوای جماعتها کمک کرده و طبعاً تکامل اقتصادی کشور را به تأخیر می‌انداخت.

دولت، زمین‌دار عمده بود. این شکل مالکیت به اشرافیت برده‌دار امکان داد بردگان خود را به بیرحمانه‌ترین وجهی استثمار کنند و نیز از راه مالیات به غارت آزادگان پردازند. سراسر دستگاه دولتی با تمام نیرو از منافع اشرافیت برده‌دار حمایت می‌نمود.

یکی از ویژگیهای رژیم خودکامگی هند مانند سایر دولتهای آسیایی و آفریقایی، مقام خدایی دادن به فرمانروا بود. اعتقاد بر این جاری بود که فرمانروا سایه خدا در زمین است. دستگاه مرتب و منظمی از روحانیون برای جاودانه ساختن این آئین بوجود آمده بود. در این زمان، برهمنیسم دین

1 - Castes

نخستین دولت برده‌داری هند، جای خود را به بودائیسیم داد. بودائیسیم جنبش مذهبی تازه‌ای بود که به سرعت شیوع یافت. دین مزبور بر رغم تفاوت‌های ظاهری، در ماهیت خود چندان اختلافی با برهمنیسم نداشت.

چین باستان
در چین باستان نخستین دولت برده‌داری به «شانگ»^۱ یا «یین»^۲ معروف است که در هزده قرن پیش از میلاد تشکیل شد ولی نظام برده‌داری در چین بعدها، میان قرن پنجم تا سوم پیش از میلاد استقرار کامل یافت. امپراطوری بزرگ چین نیز در اواخر قرن سوم پ م تأسیس گشت.

در این زمان نقش کار برده وار پیوسته روبه فزونی داشت. بردگان هم به اشخاص و هم به دولت تعلق داشتند. جنگ‌های پایان ناپذیر با قبایل همسایه و نیز جنگ‌های داخلی (پیش از تشکیل امپراطوری) منبع دائمی افزایش ارتش بردگان بود. یکی از اشکال کیفر دادن به مجرمان برده ساختن آنها بود که خود منبع سرشاری برای تأمین بردگان تازه بشمار می‌رفت. حتی جرمی ترین تخلف از مقررات و آداب و رسوم باستان بمنزله جنایتی محسوب می‌گشت. برده داران ثروتمند که از اشرافیت قبیله‌ای باستان بر جای مانده بودند، حفظ بقایای نظام اشتراکی قدیم را مفید یافتند.

مجرمان برده شده، به دولت تعلق داشتند. تجارت برده بویژه تجارت بردگان غیرچینی گسترش یافت. از کار بردگان در همه زمین‌ها استفاده می‌شد و بزودی املاک خصوصی پهناوری مبتنی بر کار بردگان پدید آمد، معیار و مقیاس ثروت و قدرت هر کس تعداد بردگان او بود.

اورارتو، خوارزم و پادشاهی کوشان
در آغاز نخستین هزاره پیش از میلاد دولت‌های برده‌دار چندی در ماوراء قفقاز و فلات ارمنستان تأسیس شد. نخستین آنها دولت اورارتو^۳ بود که

1- Shang

2- Yin

3- Urartu

در قرن ۸ و ۹ پ. م به اوج قدرت رسید. اورارتو در جریان کشمکشهای خود با مهاجمان آشوری یکی از دولتهای مقتدر دنیای باستان گشت. بخشی از ماوراء قفقاز کنونی در قلمرو این دولت بوده است.

اورارتو دارای نظام برده‌داری با بقایای قابل توجهی از نظام اشتراکی قدیم بود. بردگان به برده‌داران منفرد و هم به جماعت‌های اشتراکی متعلق بودند. نظام گسترده آبیاری را کار برده وار محافظت می‌کرد.

در آسیای میانه (که اکنون بیشتر آنها در قلمرو ج-ساحیر شوروی قرار دارند) در آغاز نخستین هزاره پ. م دولت خوارزم و برخی دولتهای دیگر تشکیل شدند که در اریل قرن نخست میلادی در دولت مقتدر واحدی با پادشاهی کوشان گرد آمدند. این دولت دامنه حاکمیت خود را بر هندوستان و سینگ کیانگ نیز گسترانید. مناطقی که در قلمرو پادشاهی کوشان بودند از نظر مناسبات اجتماعی در وضعی متفاوت بر می‌پردند. سرانجام بخشهایی که در آنها نظام بردگی استقرار کامل یافته بود امپراطوری بزرگی را بوجود آوردند.

پادشاهی معینیان
قلمرو این پادشاهی باستانی سرزمین یمن، حضر- موت غزبی و ساحل دریای سرخ در شبه جزیره عربستان بود. در این منطقه بر رغم بقایای قابل توجه نظام اشتراکی ابتدایی، نظام بردگی نیز روبه توسعه داشت. بزرگان اکثراً آفریقایی، حبشی، نوبیایی و جز آن بودند. در این کشور کانال‌های وسیع آبیاری، سدها، قصور، بناهای دیگر احداث گشت.

در قرن هفتم و هشتم پ. م دولت برده‌داری تازه‌ای معروف به پادشاهی «سبا» تشکیل شد که دولت معینی را برانداخت. بار دیگر نظام کشاورزی بسیار تکامل یافته‌ای بوجود آمد. سد مارب^۱ که در سراسر دنیای باستان مشهور بود، در مجاورت شهر «مارب» پایتخت پادشاهی سبا برپا گشت. این سد زیر بنای نظام آبیاری در سراسر عربستان جنوبی طی قرون متمادی بود.

گسترش مناسبات بین‌المللی

برخورد منافع غارتگرانه دولتهای برده دار منجر
به ایجاد شیوه‌های پیشرفته‌تر و حيله‌گرانه‌تری برای
مداخله در امور داخلی ملل دیگر گشت. انگیزه این
برخوردها منافع برده داران کشور مفروض و حفظ آن کشور از مداخلات
دولتهای خارجی بود. بدینگونه جست‌وجو برای یافتن متحد بمنظور از
میان بردن دشمنان خطرناک‌تر آغاز گشت. نخستین قراردادهای میان دول برای
تضمین یا تجاوز به منافع این یا آن دولت و ایجاد رابطه میان دول غالب و مغلوب
انعقاد یافت.

ولی روابط دیپلماتیک در این مرحله بسیار ضعیف و مکاتبه میان سران
دولتها محدود بود. بطور کلی نمایندگی دیپلماتیک دائمی و اعزام سفیر به
ممالک دیگر جبهه تصادفی داشت.

اطلاعات حاصل از مطالعه تاریخ دولتهای متعهد عهد باستان حاکی از
این حقیقت است که قوانین تکامل اجتماعی، قوانین عام و محتوم جامعه‌اند.
در همه این ممالک تکامل نیروهای مولد به اضمحلال نظام اشتراکی کهن و
ابتدایی برده داری و ایجاد دولتهای برده دار که معمولاً شکل استبدادی بخود
می‌گرفتند منجر گردیده است.

فصل هفتم

دولت‌های برده دار آمریکا

دانشمندان غربی - بویژه دانشمندان آمریکا غالباً ادعا می‌کنند که اقوام آمریکای شمالی و جنوبی در تکامل اجتماعی خود راه منحصر بفرد و بی‌مانندی را پیموده‌اند. بدینگونه ایشان وجود قوانین عام تکامل اجتماعی را انکار می‌کنند. در واقع تفاوت اساسی در تکامل اجتماعی ملل قاره آمریکا انقضای دیرتر نظام اشتراکی نخستین و پیدایش متأخرتر جامعه طبقاتی بوده است. ولی این موضوع نمی‌تواند بر حسب به اصطلاح عقب ماندگی جسمانی و روحی مردم بومی توجیه گردد. مسلم آنست که آمریکا در عصر تاریخی متأخرتری مسکون شد و هزاران سال طول کشید که کوچ نشینان بدوی طرز یکجانشینی زندگی را در قاره بزرگ پیش گیرند و سبب تکامل بیشتر نیروهای مولد گردند. گذشته از این به علت وضع ویژه جانوران آمریکا تقسیم اجتماعی کار میان کشاورزی و دام پروری یا بی‌اهمیت و یا بکلی مفقود بود.

تکامل آهسته جامعه آمریکا سبب شد که وقتی اسپانیایی‌های فاتح به «دنیای جدید» رسیدند با نظام اشتراکی نخستین، اتحادیه‌های قبیله‌ای و حکومت‌های مستبد برده‌دار روبرو شدند درحالی‌که در این هنگام سپیده دم خونین سرمایه‌داری در اروپا فرارسیده بود.

اتحادیه آراکانیا^۱ که از چهار قبیله ساکن قلمرو کتونی شیلی تشکیل شده بود از همه چشم‌گیرتر بود. آراکانیاها به مهاجمان اسپانیایی ضربات مهلکی وارد آوردند. مهاجمان هیچگاه نتوانستند مقاومت اتحادیه زبور را درهم شکنند.

در آغاز عصر جدید قبایل مایا^۲ دارای تمدنی

جامعه مایا

بسیار شکوفا بودند که از مجموعه‌ای از دولت‌

شهرهای واقع در شبه جزیره یوکاتان (میان خلیج مکزیک و جزایر آنتیل و سرزمین مجاور آن) تشکیل شده بود.

هر دولت مایایی شامل یک شهر و ناحیه اطرافش بود. فرمانروا از قدرت عالی قانونگزاری، اجرائی و قضائی و دینی برخوردار بود. رؤسای روحانی و جنگی نزدیکترین محارم او بودند. برده داری متداول بود. جنگ، تجارت برده و بردگی و امداران، منابع عمده تحصیل پرندگان جدید بودند. برده ساختن مجرمان گوناگون که در چین هم متداول بوده است در این قاره نیز شایع بود.

بازرگانان بخش مهم جامعه مایا را تشکیل می‌دادند. در یوکاتان سنگ‌های فلزی وجود نداشت ولی در میان مایاها و قبایل همسایه مبادله قابل توجهی وجود داشت و از دانه‌های کائوچو برای واحد پول عمومی استفاده می‌شد.

چاک دادن و سوزاندن زمین پایه اقتصاد کشاورزی مایا بود. مایایی‌ها

1— Aracania

2— Maya

کشاورزانی متبحر بودند. آنها میوه‌جات، باقلا، کنان و کائوچو و انواع ذرت کشت میکردند.

صنعت‌گران مایائی عبارت بودند از: بافندگان، جواهرسازان، اسلحه‌سازان، سنگ تراشان و کنده‌کاران روی استخوان، چوب و سنگ. و نیز در دوختن سربندهای پردازاستاد بودند. چون فلزات بسیار کمیاب بود صنعتگران وسائل و سلاح‌ها را از «آبیدین» (شیشه طبیعی) میساختند که دوام شگفت آور آن نبود. تشریفات دینی مایاها هم پیچیده و هم باشکوه بود. برای سرکوبی و ترساندن بردگان و درانقیاد نگهداشتن آنها خدایان بسیاری لازم بود که بیرحمانه تقاضای قربانی‌های تازه انسانی میکردند. ولی شواهدی در دست است که درون شهر-دولت‌های مایائی پیکاری طبقاتی جریان داشته است.

تخزن دانش که با نیازهای عملی تمدن کشاورزی ترکیب شده بود مبادی اولیه ریاضیات، نجوم و تاریخ را بوجود آورد. مایاها یک سیستم حساب مبتنی بر اعداد بیست (سیستم بیست گانه) و نمودگاری برای صفر اختراع کردند. گاه شمار مایائی سال را به دقیقه نشان می‌داد که معنی آن اینست که گاه شمار از پور درست تر از گاه شمار امروزی خود ما بوده است. مایاها کتابت هیر و گلیف داشتند که بطور وسیع مورد استفاده بود. هر ۲۰ سال دیواری سنگی برپا می‌شد و حوادث عمده ۲۰ سال گذشته در آن ثبت می‌گشت. مایاها کتاب‌هایی از نوارهای دراز از نومی کاغذ مخصوص ساخته بودند که مانند بادبزن زنانه تا می‌شد صدها کتاب خطی از این نوع به تحریک روحانیت کانولیک اسپانیا سوزانده شد. مایاها یادگارهایی از پیکره‌های سنگی و بناهای باشکوه و گنج‌بری‌های شگفت انگیز بوجود آورده بودند.

پراکندگی قوم مایا و ستیزه دائمی میان دولت‌های گوناگون آن، فتوحات استعماری اسپانیاییها را در یوکاتان و نواحی مجاور آن و نابود ساختن فرهنگ درخشان و بی‌مانند مایاها را بسی آسان نمود.

در شمال یوکاتان در فلات مکزیك در طی قرون
متنمادی دولت برده دار دیگری وجود داشت. این

دولت آزتك

دولت بوسیله قبیله مکریکا یا آزتک^۱ تأسیس شده بود. آنها در يك جزیره غیرقابل دسترس از دریاچه «تزوکو»^۲ ساکن شدند و اتحادیه‌ای را بر قبایل خویشاوند دیگر تحمیل کردند و هسته دولت آینده را تشکیل دادند.

هنگامی که فاتحان اسپانیایی در این سرزمین ظاهر شدند جریان انتقال از اتحادیه قبیله‌ای به استبداد برده‌داری تقریباً تکمیل شده بود. در آن هنگام هنوز يك مدیریت قبیله‌ای ظاهری وجود داشت لیکن از ریشه تغییر یافته بود و اینک وظیفه دیگری انجام می‌داد. آزتک‌ها با آمدن به فلات مکزیک در زمانی نسبتاً متأخر دست آوردهای فرهنگ پیشرفته‌ای را که با آن روبرو شدند جذب نمودند. فرهنگی که بوسیله قبایل تولتک^۳، المک^۴ میکستک^۵ ایجاد شده بود و بدینگونه توانستند در دوره بسیار کوتاهی از زمان تمدن پیشرفته خویش را بوجود آورند.

رئیس دولت فرمانروای خود کامه‌ای بود که مورد حمایت يك دستگاه دولتی پیچیده، ارتش و روحانیان بود. آزتک‌ها به جنگ‌های دائمی مشغول بودند و از این رهگذر تعداد زیادی اسیر به چنگ آوردند. برخی از اسرا برای تسکین خشم خدایان قربانی می‌شدند و برخی دیگر به برده تبدیل می‌گشتند. تجارت برده و بردگان و امداد دو منبع عمده دیگر تحصیل بردگان جدید بشمار میرفت. طاقت فرساترین کارها به بردگان محول می‌شد. مجازات جسمانی هم معمول بود و غالباً بردگان «حط کار» در پیشگاه خدایان قربانی می‌شدند.

افراد آزاد به گروه‌های متعدد تقسیم شده بودند که یادآور وارتای هندی و تقسیم اجتماعی بابل بود. آزادگان در دولت آزتک یکی از پست‌ترین گروه‌ها را تشکیل می‌دادند. بخش بزرگی از آنچه آنها تولید می‌کردند از طرف دولت تصاحب می‌گشت و برای حمایت از ارتش و افزایش ثروت فرمانروا، اشراف و روحانیت مورد استفاده قرار می‌گرفت.

پایه تمدن آزتک کشاورزی مکزیک‌ها و آزتک‌ها بویژه محصولات

1-Aztec

2-Tezcca

3- Tolttec

4- Olmec

5- Mixtec

با ارزشی نظیر کاکائو، لاستیک، گوجه فرنگی و ذرت تولید میکردند. آرتک‌ها که با کمبود زمین قابل کشت مواجه بودند جزایری مصنوعی در دریایچه احداث کرده و در آنجا باغات میوه و نارنجستان‌هایی بوجود آورده بودند. آنها به دام پروری چندان آلوده نشده بودند.

پیشه‌های بسیار تکامل یافته‌ای در آنجا وجود داشت. جواهر سازان، اسلحه‌سازان، بناها، فلزکاران و سفال‌گران آرتک استادان رشته خود محسوب می‌شدند.

تجارت از جمله تجارت با قبایل دیگر رونق داشت. واحدهای پولی از ساقه‌های پر درست شده بود که داخل آن به اندازه‌های گوناگون با خاک طلا پر شده بود.

آرتک‌ها کتابت تصویر نگار داشتند. آنها از هر و گلیف برای معرفی کلمات استفاده می‌کردند، سیستمی که ظاهراً تحت تأثیر کتابت‌های دیگر بوجود آمده بود.

حجاری و معماری و ادبیات با کتابت تصویر نگار و آثار هنری آرتک در نتیجه حملات وحشیانه مهاجمان اسپانیایی به پادشاهی آرتک (مکزیکو) نابود شد. ولی بقایای ناچیز آن آثار نمایشگر تمدنی شکوفاست.

دولت‌های متعدد کوچک دیگری نیز وجود داشتند
دولت چیچا
که در قلمرو کنمیای فعلی بوسیله بومیان امریکا
تأسیس شده بود. از آنجا که اطلاعات موجود درباره جامعه چیچا^۱ بسیار محدود است نمیتوان تصویر جامع و کاملی از آن بدست داد. همینقدر می‌توان گفت که دولت‌های مزبور نیز جامعه‌هایی طبقاتی بودند که در چارچوب آن نظام برده داری رشد میکرد.

تیاهای ناکو^۲ که اشتباعتاً نام امپراطوری «اینسکا»
تیاهای ناکو
معرفی شده است بزرگترین دولت برده دار امریکا بود.

1- Ghepcha

2- Tiauanaco

تاریخ تیاها ناکو به طرز فاحشی تحریف شده است. در یکرشته کشورهای امریکای لاتین و ممالک دیگر در مدارس و دانشگاهها تئوری ای موسوم به نظام «سوسیالیستی» یا حتی «کمونیستی» در تیاها ناکو آموخته میشود. لوئی بدن^۱ از نمایندگان اصلی این تئوری نوشته است:

«... در این نظام فی الواقع سوسیالیستی ترسیم خط انفصالی میان یک آزاده و برده غالباً ناممکن است».

حال بینیم در واقع نظام اجتماعی اینکاها چگونه بود؟ - تیاها ناکو تمامی قلمرو کنونی «پرو» و «اکوادور» و بخش بزرگی از بولیوی، آرژانتین و شیلی را شامل می گشت. اعضای قبیله اینکا خود را اعیان خورشید و ماه میدانستند و قبیله حاکم دولت مزبور را تشکیل می داد. ریاست اینکاها با فرمانروای عالی خود «سایا اینکا» (فقط اینکا) بود. سایا اینکا بر میلیونها اتباع خود و بر اقوام و قبایل مختلف فرمان میراند. او مدافع برده داران بود که عبارت از رؤسای جنگی، مقامات اداری و روحانیان بودند. اینکاها به جنگهای دائمی و انقیاد قبایل و اقوام همسایه مشغول بودند. ایشان برخی از اسرا را در اراضی دیگر سکونت می دادند و آنها را به بردگان (مردم سیاه) تبدیل می کردند. بنابر افسانه ای باستانی، شش هزار بومی در آغاز بخاطر شرکت در قیامی علیه سایا اینکا به بردگی کشیده شدند فرزندان بردگان نیز پس از تولد برده شناخته می شدند.

جماعت اشتراکی واحد اجتماعی و اقتصادی جامعه بود ولی مانند ممالک آسیائی و افریقائی، موقع یک آزاده در دولت برده دار اینکا چندان تفاوتی با وضع زندگی برده نداشت. آزادگان مجبور بودند یک سوم از محصول خویش را به سایا اینکا و یک سوم دیگر را به خورشید (روحانیان) تقدیم کنند در عین حال آنها مجبور بودند هرگاه لازم بود از رؤسای محلی پشتیبانی نمایند. جماعتها مشغول نگهداری دستگاههای آبیاری و تعمیر و

1 - Luis Boudin

احداث قنوات جدید، تهیه کلرگر برای معادن، تعمیر جاده‌ها و بناها بودند. آزادگان حق مسافرت و تغییر مکان آزادانه نداشتند. ایشان مجاز بودند فقط خداهایی را بخورند که از طرف رؤسا و مقامات مقرر شده بود و مجبور به پوشیدن لباس خاصی بودند. ساپا اینکا - اشرافیت اینکا، روحانیان و نیز اشراف قبایل که داوطلبانه حکومت اینکا را پذیرفته بودند در کاخ‌ها و معابد با شکوهی که با طلا و سایر سنگ‌های گرانبها زینت شده و بدست بردگان و زحمتکشان آزاد و با صرف مخارج گزاف احداث گشته بود با جلال و جبروت زندگی میکردند.

مبالغ خیره کننده‌ای از ارزش مادی حاصله از دسترنج آزادگان و بردگان برای حفظ ارتش و دستگاه دولتی دولت برده دار اینکا استفاده می‌شد. تاریخ تیاها ناکو سرشار از حوادثی است که هر يك انكاس يك مبارزه طبقاتی شدید است. از جمله این حوادث تمرد قبایل مغلوب علیه حود کامگی بود.

تمدن تیاها ناکو در زمان خودش بسیار پیشرفته بود. کشاورزی توام با نظام آبیاری مینای اقتصاد اینکا بود. کانال‌های متعدد و دامنه‌های کوهستان بدست ماهر زحمتکشان به اراضی مسطح تبدیل شده بود. شواهدی در دست است که ساکنان تیاها ناکو چراگاه‌ها را نیز آبیاری مینمودند - اینکاها نباتات فراوان تولید میکردند از آن جمله است ذرت، مانیوک (نوعی نشاسته) انواع گوجه فرنگی، فلفل، گیاهان طبی و جز آن بود. آنها از کود مرغان برای حاصل بخشی سود می‌جستند. برخلاف نواحی دیگر امریکا، دام‌پروری بویژه پرورش «لاما» و انواع مشابه آن رواج بسیار داشت. انواع مرغان اهلی نیز موجود بود. بیشتر گله‌های لاما در تملك انحصاری ساپا اینکا بود.

اینکاها از گله‌های بزرگ لاما به عنوان حیوانات بارکش استفاده می‌کردند. مانند اقوام دیگر امریکا آنها از فن استفاده از چرخ خبر نداشتند گرچه شکل هندسی دایره را می‌شناختند.

با فندگان، بناها، سفال‌گران، ریخته‌گران اسنادان مسلم حرفه خود بودند

بناهای اینکا گزند ناپذیر بود. اینکاها طلا، مس، سرب، و قلع را تبدیل و تصفیه می کردند. اطلاعات موجود حاکی از آنست که آنها میدانستند چگونه سنگ آهن را ذوب کنند. قلمرو وسیعی از دولت اینکا با جاده‌های وسیع (۵-۶ متری) مرتبط بود.

بر رودخانه‌ها و دره‌ها پل‌هایی احداث شده بود که جاده‌ها را یکدیگر می پیوست. این پل‌ها غالباً معلق بود. آب جاری رودها و دریاچه‌ها از وسائل عمده حمل و نقل و عبور بود. قایق‌ها و کله‌هائی که ماهرانه ساخته شده بود بر روی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها در رفت و آمد بودند. اینکاها با کله‌های بزرگ خود به سفرهای دریایی در دریاچه‌های دور دست نیز مبادرت می کردند. دلایل زیادی در دست است حاکی از اینکه دریانوردان اینکائی به امریکای مرکزی و مکزیکو رسیده‌اند. گرچه منظور از این سفرها گسترش تجارت بود، با اینهمه تجارت داخلی و خارجی در سطحی ابتدایی و پست بود. معاوضه، شکل عمده تجارت بود. واحد پولی مورد استفاده نوعی صدف دریائی بود.

اینکاها همچون مایاها کتابت هر و گلیف داشتند. ولی این مزیتی بود که فقط ساپا اینکا و معدودی از مقامات عالی و روحانیان از آن برخوردار بودند. وسائل گوناگونی برای انتقال اطلاعات و نگهداری حساب‌ها بوجود آمده و گسترده‌ترین شیوهٔ مقبول به اصطلاح کتابت دیسمان گره‌دار موسوم به کواپو بود.

آثار ادبی شفاهی و نیز رقص، موسیقی و پیکر تراشی نیز تکامل یافت. نمایش‌های دراماتیک بسیار رواج داشت.

گاه شمار اینکا شامل ۳۶۵ روز بود و به ۱۲ ماه تقسیم می شد و هر ماه عبارت از چهار هفته بود که از کوتاه‌ترین روز ماه دسامبر (۲۱ دسامبر) آغاز می شد. تیاها ناکو و تمدن درخشان آن قربانی مهاجمان اسپانیائی شد که از فقدان وحدت در میان قبایل گوناگون سود بردند. برتری اسلحهٔ اسپانیائی‌ها نیز در این میان از عوامل مهم بود. هندیان غربی هیچگاه اسلحهٔ گرم یا اسب ندیده بودند و این دو ملی نخستین نبردها در اردوی بوئیان وحشت می افکند